

# رابطه متقابل جامعه و ابتلاءهای اجتماعی پیامبران (تحلیل موردی داستان ابراهیم)

علی راد\*

دانشیار علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

پریسا عطایی\*\*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹)

## چکیده

طبق رویکرد قرآن کریم، حیات انسانی آمیخته با آزمون است و تعالی و تکامل انسانی رابطه‌ای متقابل با آن دارد. پیامبران اُسوه‌های عینی ابتلاءهای الهی بودند و گزارش ابتلاء ایشان در قرآن با گزینشی هوشمندانه انجام شده است. برابر فرضیه این پژوهش، پدیداری ابتلای پیامبران رابطه‌ای متقابل با شرایط فردی و اجتماعی آنان دارد. بنابراین، آزمون پیامبران متناسب با گفتمان جامعه روزگار آنان بوده است و شناخت این گفتمان در تفسیر این ابتلاءها امری ضروری است. از این رو، تحلیل شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه زیستی پیامبران، در تشخیص زمینه‌های اجتماعی ابتلاء ایشان کارآمد است و به دنبال آن، تصویری دقیق‌تر از چرایی، چگونگی و توجیه تنوع گونه‌های ابتلاء آنان در اختیار ما قرار می‌دهد. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل زمینه‌های اجتماعی مؤثر در پدیداری ابتلاءهای قرآنی حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> به منزله اُسوه عینی فرازمندی در آزمون‌های الهی است. بدین منظور، پس از تبیین چستی ابتلاء و مؤلفه‌های آن، با بررسی فضای حاکم بر جامعه عهد ابراهیم<sup>(ع)</sup>، زمینه‌های پدیداری ابتلاءهای وی را ذیل نهادهای اجتماعی مرتبط با آن تبیین می‌کند. این پژوهش، پیوند میان گونه ابتلاء و شرایط اجتماعی عصر ابراهیم<sup>(ع)</sup> را نشان می‌دهد و نسبت‌سنجی ویژگی‌های عصر پیامبران با ابتلاء ایشان را روشی برای تحلیل ابتلاء اجتماعی پیامبران در قرآن می‌داند.

**واژگان کلیدی:** سنت ابتلاء، نهاد اجتماعی، ابراهیم<sup>(ع)</sup>، قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup>، زمینه اجتماعی، تفسیر

موضوعی.

---

\* Email: ali.rad@ut.ac.ir

\*\* Email: p.ataei72@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

اهتمام قرآن بر بیان سرگذشت پیامبران و اقوام ایشان، تبیین شیوه تعامل آن‌ها و یادآوری آزمون‌های مسیر تبلیغ، نشان از اهمیت روابط اجتماعی در سیر تکامل بشری دارد. آیات وحی با تبیین مصادیق ابتلاء در ساحت امر رسالت و بیان فراز و نشیب‌های گونه‌گون آن، به خاستگاه اجتماعی ابتلاء پیامبران توجه نشان می‌دهد و قاعده تناسب مقتضیات ابلاغ با زمانه هر پیامبر را یادآور می‌شود. درک تناسب ابتلای انبیاء با زیست اجتماعی دوره حیات ایشان، با ارائه نگرش واقع‌بینانه به زندگی اجتماعی و اهداف آن، مسیر صحیح در پیشبرد اقدامات اصلاح‌گرایانه و مبارزه با انحرافات اجتماعی را نشان می‌دهد و با نمایاندن قانون‌مندی سنت ابتلاء، بازشناسی شیوه صحیح رویارویی با ابتلائات را میسر می‌سازد. حال پرسش این است که رابطه متقابل ابتلاءها و شرایط اجتماعی عصر انبیاء چیست؟ زمینه‌های اجتماعی در پدیداری ابتلاء انبیاء چه نقشی دارند؟ روش کشف این زمینه‌های اجتماعی چیست؟ تحلیل این ابتلاءها با توجه به زمینه‌های اجتماعی چه آثاری دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخگویی به این سؤالات مستلزم کاوش در خصایص اجتماعی عصر انبیاء می‌باشد. حال آنکه بررسی آثار نگاشته شده پیرامون پیامبران - اعم از تفاسیر، قصص‌الانبیاء و تک‌نگاری‌ها - حاکی از آن است که به رغم تلاش مفسران، تاریخ‌نگاران و قرآن‌پژوهان در تبیین نقش ابتلاء در زندگی پیامبران، بسترهای مولد ابتلاءها مدنظر قرار نگرفته است. بنابراین، خلاء موجود در تحلیل ابتلاء انبیاء در گفتمان جامعه‌شناختی عصر ایشان به شکل‌گیری پژوهش فرارو با هدف بررسی عناصر اجتماعی مؤثر بر ابتلاءهای حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و شیوه اثرگذاری آن‌ها بر گونه ابتلاء وی انجامید. اشاره قرآن بر ابتلاء ابراهیم<sup>(ع)</sup> با کلیدواژه «کلمات» و نقش آن در کمال‌بخشی او به مقام امامت (البقره/۱۲۴)، مجال فراخی به منظور شناسایی ماهیت موارد آزمون ابراهیم<sup>(ع)</sup> ایجاد کرده است، لیکن اثری در باب زمینه‌شناسی ابتلاءهای وی نگارش نیافته است و تنها در برخی از تفاسیر چون روح البیان و تسنیم، زمینه ابتلاء به آتش افتادن (ر.ک؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۵: ۵۰۰ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۵۰۵) و ذبح فرزند (ر.ک؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۱۱: ۱۰۴ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۵۰۵) به‌اجمال بررسی شده است و در بخش ابراهیم<sup>(ع)</sup>، در کتاب بررسی تاریخی قصص قرآن

به زمینه ابتلای ذبح فرزند اشاره شده است (ر.ک؛ بیومی، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۴۹). با وجود این، اشارات تفاسیر و تواریخ رهنمونی بر درک شرایط دوران زندگی ابراهیم<sup>(ع)</sup> و زمینه‌های ابتلاء اوست. پژوهش حاضر به هدف پر کردن این خلأ در امتداد منابع یاد شده، با روش تحلیلی - تطبیقی به بررسی شاخصه‌های اجتماعی قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> روی آورده، مختصات دینی، تربیتی - اخلاقی، اقتصادی و سیاسی آن را از ورای آیات قرآن، گفتار مفسران فریقین، مورخان و کتب قصص الأنبياء و جوامع روایی گردآوری نموده است و با تناسب‌نمایی میان علت اجتماعی و نوع ابتلاء، به تحلیل زمینه اجتماعی ابتلاء ابراهیم<sup>(ع)</sup> پرداخته است. مبنای این نوشتار در پیوند میان ابتلاء با جامعه، قانون‌مندی سنن الهی از جمله ابتلاء، قانونمندی جامعه و تاریخ - مبتنی بر اصل حکمت خداوندی - و تلازم طبیعی میان مؤلفه‌های ابتلاء با شرایط فردی و اجتماعی است. یادکردنی است که ابتلاء‌انگاری هر رویداد، افزون بر مطابقت آن با تعریف معیار ابتلاء و مؤلفه‌های آن، متکی بر آرای غالب مفسران فریقین بوده است. بر این اساس، در این نوشتار زمینه‌های اجتماعی ابتلاء ابراهیم<sup>(ع)</sup> به آزر (عموی بت‌پرست ابراهیم<sup>(ع)</sup>) (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۵)، اعلام برائت از بت‌ها و بت‌پرستان (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۳۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۱۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۳۵ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۴)، شکستن بت‌ها (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۳۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۳۲)، طاغوت زمانه و رویارویی با او (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۳۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۸۵ و زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۰۸)، انداخته شدن در آتش (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۶۲)، هجرت از زادبوم (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۱۶؛ شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۳۸۸) و ذبح فرزند (الصافات/۱۰۶) واکاوی شده است. از این رو، با این رویکرد، پژوهش حاضر از آغازین پژوهش‌های تحلیلی - تطبیقی در موضوع خود می‌نماید و تاکنون به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی چنین تحلیلی از عناصر اجتماعی ابتلاء‌های

ابراهیم<sup>(ع)</sup> مشاهده نشده است. بر اساس این نمونه، واکاوی همه‌جانبه جامعه پیامبرانی که قرآن از آزمون ایشان یاد کرده، رهنمونی بر تنوع ابتلاء ایشان است.

## ۱- مفاهیم پژوهش

مفاهیم اصلی این پژوهش، ابتلاء، زمینه و قوم ابراهیم است که در ادامه به تحلیل هر یک به عنوان مبادی نظری بحث می‌پردازیم.

### ۱-۱) ابتلاء

بلاء در لغت عربی، به معنای فرسودگی و کهنه کردن چیزی است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۴۵ و ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۹۲) که در معنای امتحان و آزمایش نیز به کار می‌رود (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۴۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۵۵ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۸۳). از آن رو که خصوصیات اشیاء پس از فرسوده شدن آن‌ها آشکار می‌شود، امتحان را «ابتلاء» گویند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۴۵). بنابراین، در واژگان قرآنی، ابتلا به معنای پدید آوردن دگرگونی و ایجاد تحول برای به دست آوردن نتیجه است و معنای اختبار و امتحان از مفاهیم التزامی و پیامدهای آن به شمار می‌رود (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۳۵). در اصطلاح متکلمان (ر.ک؛ دغیم، ۱۹۹۸م، ج ۱: ۴)، عرفا (ر.ک؛ کاشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۲۶) و مفسران شیعه (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۷۷؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۶۸؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۳) و سنّی (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۸۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۷۳ و ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱: ۶۸۲) نیز ابتلاء به معنای آزمایش و سنجش به کار رفته است. در اصطلاح قرآنی، ابتلاء بیانگر نوعی تربیت عام الهی و شیوه حکیمانه در آزمودن انسان‌هاست (ر.ک؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۱، ج ۸: ۸۴-۸۳) که با قرار دادن هر فرد در بستر حوادث گوناگون و با هدف رسیدن به کمال درخور او (ر.ک؛ یوسفی مقدم، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۶۵)، صفات باطنی وی - اعم از فضایل و رذایل - را از طریق عملکردش ظاهر

می‌سازد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۴۰۶) و بستری برای تکامل و یا انحطاط اختیاری وی فراهم می‌آورد (ر.ک؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۳۸). تعریف معیار پژوهش حاضر از ابتلاء که برآیندی از مدلول‌های ظاهری آیات، روایات تفسیری و انظار مفسران فریقین می‌باشد، عبارتست از: «رخدادی تحول‌آفرین و هدفمند که به منظور سنجش عملکرد موجود مختار صورت می‌گیرد و به شکوفایی استعدادهای بالقوه وی (تعالی) یا پرده‌برداری از ضعف و خلل وجودی او (تسافل) می‌انجامد». با توجه به این تعریف، مؤلفه‌های سه‌گانه ابتلاء انسان‌ها، سنجش (ماهیت ابتلاء)، تحول و دگرگونی (راهبرد) و تعالی یا تسافل (غایت) است. درخور توجه است که ابتلاء پیامبران بر اساس بستر وقوع آن‌ها به دو گونه فردی و اجتماعی تقسیم‌شدنی است که عبارتند از: ابتلای فردی و ابتلای اجتماعی. ابتلای فردی ناظر بر ابتلاءهایی است که تنها در گستره ارتباطات فردی و زندگی شخصی ایشان نمود یافته‌است و ابتلاء اجتماعی وی نیز ناظر بر آزمون‌هایی است که در گستره ارتباطات اجتماعی و ساحت رسالت واقع شده‌است. در این نوشتار، بنا به اقتضای ذاتی موضوع تأثیر جامعه بر ابتلای اجتماعی در نمونه پژوهشی زندگی حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> بررسی می‌گردد.

## ۲-۱) زمینه ابتلاء

با توجه به تعریف لغوی «زمینه»، به «فراهم آوردن شرایط مناسب برای انجام کاری» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۲۹۳۴) و کاربرد آن به منظور افاده عوامل، شرایط و فرایندهای درونی (شخصی) و بیرونی (غیرشخصی) مؤثر، در پدیداری یک امر (ر.ک؛ دانشگر، ۱۳۸۱: ۱۹) می‌توان گفت که مجموعه علل و عوامل - اعم از درونی و بیرونی - مؤثر در پدیداری ابتلایی خاص، زمینه آن ابتلاء تلقی می‌گردد که به لحاظ عامل، در دو نوع فردی و اجتماعی بررسی می‌شود.

### ۱-۲-۱) زمینه فردی

منظور از فردی بودن، اختصاص داشتن امری به یک فرد است (ر.ک؛ سیاسی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). شخصیت هر فرد، صفات و گرایش‌هایی است که به تفاوت‌های فردی در رفتار و تداوم آن در موقعیت‌های مختلف می‌انجامد (ر.ک؛ شولتز، ۱۳۹۲: ۱۲). از این رو، زمینه فردی ابتلای ناظر بر مجموع ویژگی‌های خاص هر شخص از کلّ خصایص جسمی، زیستی، ذهنی، عاطفی - روانی، خانوادگی، اجتماعی و اخلاقی - اعمّ از موروثی و اکتسابی - گرایش‌ها و استعدادها متمایزکننده فرد است (ر.ک؛ شاملو، ۱۳۹۰: ۱۷) که سبب ابتلای وی به امری خاص می‌شود. بر این اساس، زمینه فردی ابتلای یک فرد، متناسب با تمام ویژگی‌های خاص وی و بر مبنای تشخص اوست.

### ۱-۲-۲) زمینه اجتماعی

نهاد اجتماعی از عناصر مؤثر در ماهیت و روند تکاملی جوامع انسانی بوده و مجموعه‌ای انتزاعی از الگوها و شیوه‌های رفتاری و روابط اجتماعی است که بر اثر نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان پدید آمده‌است و هماهنگ با آداب و رسوم، مقررات، ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات اجتماعی سازمان می‌یابد (ر.ک؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۴۱). نهادهای اجتماعی اصلی شامل نهاد خانواده، نهادهای تربیتی، اقتصادی، سیاسی - حکومتی و دینی است (ر.ک؛ همان: ۱۴۵) و هدف، کارکرد، ضرورت، عمومیت و دوام دارد و فرد از بدو تولد، خود را در مقابل آن می‌یابد (ر.ک؛ وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۸: ۱۴۸). از این رو، تأثیر نهادهای اجتماعی در زندگی آحاد جامعه و در تعامل آن‌ها با یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر است که می‌تواند زمینه‌ساز الزام‌هایی فردی گردد و در مسیر زندگی فرد مؤثر واقع شود. بر این اساس، منظور از زمینه اجتماعی ابتلاء، اقتضای خاص جامعه، اعمّ از شرایط فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی است (فضای حاکم بر جامعه) که به طور مستقیم بر پیدایش و نوع ابتلاء فرد سایه می‌افکند و بر شدت و پیامد آن نیز تأثیر می‌گذارد. به منظور فهم زمینه‌های اجتماعی مؤثر در پدیداری ابتلای حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>، شرایط اجتماعی ادوار مختلف زندگی ایشان را

واکاوی می‌کنیم و نقش‌آفرینی نهادهای اجتماعی در پیدایش مؤلفه‌ راهبردی ابتلاء، یعنی تحول‌آفرینی را بررسی می‌کنیم.

### ۱-۳) قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup>

قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> ساکن سرزمین بابل (جنوب عراق فعلی) بودند. اشاره منابع نقلی به ویژگی‌هایی چون وسعت قلمرو، منابع آبی غنی و اراضی حاصل‌خیز (ر.ک؛ بلاغی، ۱۳۳۰: ۳۳۶)، بنای معابد رفیع و مستحکم، آشنایی با علم نجوم (ر.ک؛ همان، ۳۳۵) و ضرب نخستین سکه‌های طلا (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۹۶) بیانگر تمدنی پیشرفته و برخوردار از موقعیت مناسب جغرافیایی، اقتصادی، امنیتی و علمی - فرهنگی است. قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> الله را خالق و رب‌الارباب عالم می‌شناختند، لیکن بر این باور بودند که خدا را تنها از طریق اسباب فعال در عالم، همچون ملائکه، جن و... می‌توان پرستید. از این رو، جز اندکی از موحدان جامعه - از جمله خانواده ابراهیم<sup>(ع)</sup> و لوط - به پرستش ستارگان (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷: ۱۷۳) به منزله مظهر صفات ربوبی و ترجمان اراده وی روی آوردند (ر.ک؛ بلاغی، ۱۳۳۰: ۳۳۶) و به دلیل نداشتن دسترسی به آن‌ها در تمام ساعات شبانه‌روز، از جوهر منسوب به هر یک از ستارگان، پیکره‌هایی نمادین می‌ساختند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۱۳: ۳۰) و به منظور اجابت حوائج و رقم خوردن تقدیری نیکو، برای آن‌ها قربانی می‌نمودند، آن‌سان که، نپرستیدن آن‌ها را سبب نحوست و پیشامدهای ناگوار در زندگی می‌انگاشتند (الأنعام/۸۱). نزد آنان ستاره خورشید (الأنعام/۷۸) اله اعظم (ر.ک؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۵۲)، رب آتش، روشن‌کننده آسمان و زمین، مدبر ملوک و پادشاهان بود که روح شجاعت را بر پادشاه افاضه کرده، دشمنان او را سرافکنندگی و سربازانش را سرفرازی می‌بخشد (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۳۶۶، ج ۷: ۵۶۹). بنابراین، پادشاهان، خدایان آسمانی پنداشته می‌شدند که برای حکومت بر زمین فرود آمده‌اند و عبادت آنان بر مردم واجب است (ر.ک؛ عقاد، ۱۹۷۰م.، ج ۱: ۴۹۷). بنابراین، بت‌ها نمادی برای ارباب انواع بودند که شئون زندگی مردم را تدبیر می‌کردند (ر.ک؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۵۲). لیکن به تدریج اعتقاد به خدایان متعدد، سبب فراموشی

رب الأرباب (خدای سبحان) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق. ج ۱۶: ۱۱۵) و پرستش بت‌های فراوان گردید؛ چنانکه بت بزرگی را خدای همه بت‌ها در نظر می‌گرفتند و در مراتب بعدی، هر قبیله و محله بتی مختص خود داشت که خدای آن قبیله به شمار می‌رفت، فارغ از اینکه، هر فرد نیز برای خود از همان بت داشت (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۴۶؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۶۸).

## ۲- زمینه‌های اجتماعی ابتلاءهای ابراهیم<sup>(ع)</sup>

تاریخ گواه فراگیری ابتلای پیامبران به قوم جاهل و ستیزه‌گر است؛ چنانکه روایت «... وَ إِن كَانَ النَّبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لَيَأْتِي قَوْمَهُ فَيَقُومُ فِيهِمْ يَأْمُرُهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ مَا مَعَهُ مَبِيتٌ لَيْلَةٍ فَمَا يَتْرُكُونَهُ يَفْرَعُونَ مِنْ كَلَامِهِ وَ لَا يَسْتَمِعُونَ إِلَيْهِ حَتَّى يَقْتُلُوهُ وَ إِنَّمَا يَتَّبِلَى اللَّهُ عِبَادَهُ عَلَى قَدَرٍ مَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ» (مفید، ۱۴۱۳ق. ج ۳۹) بر آن دلالت دارد. ابتلای پیامبران به قومی مشرک و عنود با تغییر زندگی آرام ایشان به زندگی سراسر مبارزه و جهاد همراه بوده، میزان دغدغه انبیاء برای هدایت قومی ناسپاس، خستگی‌ناپذیری در مقابل لجاجت آنان و استقامت در برابر عواقب مترتب بر امر ابلاغ را محک می‌زند. این برداشت برآیند داستان‌های قرآنی انبیاء است که از همان آغاز نزول وحی در عهد مکی بر رسول خدا و مؤمنان بازخوانی شد. ابراهیم<sup>(ع)</sup> نیز بسان دیگر انبیاء، به قومی حق‌گریز و ستیزه‌خو مبتلا بود (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۲) و ابتلاءهایی مانند برائت‌طلبی، بت‌شکنی، طاغوت‌عصر، افتادن در آتش و جلای وطن (ر.ک؛ راد و عطایی، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۴)، با توجه به سیر تبلیغی و شیوه اصلاحی ابراهیم<sup>(ع)</sup> و متناسب با اقتضای جامعه وی رخ نمود و پیامدهای آن، خود بستری نوین برای ظهور جهاد اصلاحی و ابتلای دیگری در عرصه تبلیغ برای وی را فراهم آورد. روشن است که عقاید و ساختار اجتماعی قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> و اشکال مختلف بروز آن، همچون گستره شرک (تعدد معبود)، میزان فراگیری و رسوخ آن در زندگی مردم، حاکمیت و رابطه آن با طبقات اجتماعی، شبکه‌های سیاست‌گذاری و نیروهای اجتماعی تأثیرگذار در جامعه، در پدیداری و نوع ابتلاء ابراهیم<sup>(ع)</sup> تأثیرگذار بوده‌است. با توجه به اهمیت و نقش فراگیر نهادهای اجتماعی در ماهیت و



روند تکامل جامعه، ایجاد مناسبات و روابط اجتماعی، زمینه‌های اجتماعی ابتلاء‌های ابراهیم<sup>(ع)</sup> ذیل نهادهای مرتبط با آن بررسی و تحلیل می‌شود.

## ۲-۱) نهاد خانواده

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اولیه اجتماع که با خویشاوندی سامان می‌یابد (ر.ک؛ گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۵۴)، کانون زایش فکری، خلاقیت، همکاری و آموزش بوده‌است و با تأمین نیازهای زیستی، همچون خوراک، مسکن و امنیت، حمایت اجتماعی، تعیین جایگاه اجتماعی افراد و آموزش آن‌ها، در عرصه حیات اجتماعی ایفای نقش می‌کند (ر.ک؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۵۲). نقش انحصاری خانواده بر زندگی فرد، به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی و وجود پیوند عاطفی میان اعضای خانواده سبب تأثیرگذاری عمیق این نهاد در فرایند انتقال الگوهای فرهنگی و ارزش‌هاست (ر.ک؛ مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۱۰). قرآن کریم ضمن یادکرد از خانواده ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر روابط میان ایشان نیز توجه کرده‌است. در ادامه با واکاوی رویارویی ابراهیم<sup>(ع)</sup> با آزر و تبیین ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup>، نقش نهاد خانواده در گونه‌آب ابتلای فرد نشان داده می‌شود.

## ۲-۱-۱) منزلت پدری؛ زمینه‌آب ابتلاء به آزر

نخستین یادکرد قرآن کریم از خانواده ابراهیم<sup>(ع)</sup> ناظر بر دعوت آزر به توحید است. آیات ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا \* يَا أَبَتِ لِمَ تَتَّبِعِ الشَّيْطَانَ إِن الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا \* يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا \* قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجَمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا \* قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾ (مریم/۴۳-۴۷) ضمن شرح رویارویی ابراهیم<sup>(ع)</sup> و آزر، به تبیین رابطه خانوادگی ایشان نیز می‌پردازد. آزر، عموی ابراهیم<sup>(ع)</sup> (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۹۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۱۶۲-۱۶۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۸۴)، منجم، وزیر و مشاور نمرود (ر.ک؛ کلینی،

۱۴۲۹ق.، ج ۱۵: ۸۰۸)، بت تراش و بت فروش بود (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۰۸). اگرچه ابراهیم<sup>(ع)</sup> به سبب پیشگویی منجمان مبنی بر ولادت مصلحی الهی و دستور کشتن اطفال به منظور دفع خطر از حکومت، پنهانی و در منطقه‌ای دور از شهر متولد شد (ر.ک؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷۲۹) و تا سنین نوجوانی دور از خانواده زیست (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۰۷)، لیکن از نخستین دیدار، مورد توجه آزر قرار گرفت (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ق.: ۸۱۱)؛ چنانکه او را واسطه برکت در زندگی خویش دانست و به همراهی وی در تداوم مقام بت‌سازی در خاندان خویش امیدوار گشت (ر.ک؛ همان). همان‌گونه که اشاره قرآن به خطاب مکرر آزر با لفظ «یا اَبْتِ»، بیان سلام و وعده استغفار ابراهیم<sup>(ع)</sup> در مقابل تهدید و نپذیرفتن دعوت از جانب آزر، نشان می‌دهد، آزر نیز بسان پدر برای ابراهیم<sup>(ع)</sup> عزیز و محترم بوده‌است. با وجود این، نگرانی آزر از تزلزل در منزلت سیاسی - اجتماعی وی (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۰۸) در روند دعوت ابراهیم<sup>(ع)</sup> مشکل‌آفرین شد و افزون بر آنکه در مقابل خطاب محبت‌آمیز ابراهیم<sup>(ع)</sup>، او را طرد و تهدید به سنگسار نمود (ر.ک؛ مریم/۴۶)، دستاویزی در تمسخر ابراهیم<sup>(ع)</sup> و نپذیرفتن دعوت او گردید (ر.ک؛ یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۳). بنابراین، با دعوت آزر، زندگی پرمهر ابراهیم<sup>(ع)</sup> با خانواده به دشمنی و طرد از ایشان تغییر یافت و ابراهیم<sup>(ع)</sup> در تقابل میان مهر آزر و قهر الهی قرار گرفت و با سنجش صدق نبوت و حق‌مداری او در این تقابل، آزمون وی به آزر پدید آمد. به نظر می‌رسد که تأمل بر خاستگاه خانوادگی - عاطفی این ابتلاء و منزلت آزر رهنمونی بر علت پدیداری آن باشد. شیوه دعوت ابراهیم<sup>(ع)</sup> حاکی از محبت و نگرانی ویژه‌ی وی به آزر است. از این رو، آنچه سبب فزونی رنج دعوت آزر و گرانی گمراهی وی برای ابراهیم<sup>(ع)</sup> گشته، منزلت پدری اوست. از سوی دیگر، واکنش عتاب‌آلود آزر با توجه به رابطه عاطفی میان او و ابراهیم<sup>(ع)</sup>، ناشی از شأن اجتماعی - سیاسی اوست. چه بسا اگر آزر هراس از دست دادن منزلت خویش در میان قوم خود و دربار را نداشت، دعوت پرمهر ابراهیم<sup>(ع)</sup> را بدون تأمل و با شدت پاسخ نمی‌گفت و سرسختانه به مقابله بر نمی‌خواست. بنابراین، از ناحیه فردی به ابراهیم<sup>(ع)</sup> بی‌مهری می‌شود که به دلیل پیوند عاطفی با او، امید به هدایت و حمایتش داشت، لیکن خود مانعی بزرگ در هدایت عموم جامعه می‌گردد و اقدامات مصلحانه‌ی وی را با چالشی جدی روبه‌رو می‌کند. بر این اساس، منزلت پدری و سیاسی - اجتماعی آزر سبب

ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به آزر بود که می‌تواند نمونه‌ای از تأثیر نهاد خانواده در شکل‌گیری ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به شمار رود و گواهی بر نقش آن در تعیین نوع ابتلای افراد جامعه قرار گیرد.

## ۲-۱-۲) نهاد دینی

نهاد دین در جامعه - اعم از دین الهی یا غیر الهی - متولی ایجاد وفاق اجتماعی، حفظ ارزش‌های اجتماعی، معنابخشی به زندگی، پاسخگویی به مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی، تبیین و توجیه ضرورت نیاز معنوی است که در مجموعه‌ای از باورها و رفتارهای دینی، مانند مراسم نیایش فردی و جمعی، اعمال مذهبی، نمادهای دینی، آداب و شعائر گروهی، نذر و قربانی و سایر مناسک دینی نمود می‌یابد (ر.ک؛ گیدنز، ۱۳۸۹: ۵۲۴ و سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۴۸). به منظور بررسی نقش نهاد دینی در ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup>، زمینه‌های اجتماعی پیوندخورده با باورهای قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> که در پدیداری ابتلاءهای او مؤثر بودند، تحلیل می‌شود.

## ۲-۱-۳) رسوخ شرک؛ زمینه ابتلاء به بت‌شکنی

گزینش شیوه پرمخاطره بت‌شکنی از سوی ابراهیم<sup>(ع)</sup> در جامعه‌ای پر از خدایان متعدد، با وجود پیش‌بینی شناسایی زود هنگام وی و آگاهی از عواقب سهمگین آن، حاکی از ابتلایی برای اوست که با تهدید زندگی ابراهیم<sup>(ع)</sup>، میزان خطرپذیری وی در مسیر تبلیغ را می‌آزماید. درک چرایی انتخاب راهبرد شکستن بت‌ها برای تنبّه قوم، زمینه اجتماعی ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> را خاطر نشان می‌سازد. احتجاجات متعدد ابراهیم<sup>(ع)</sup> با بت پرستان و پرستندگان اجرام آسمانی و اثبات ناشایستگی آن‌ها برای ربوبیت (ر.ک؛ الأنبياء / ۵۲-۵۴؛ الشعراء / ۷۰-۷۷ و الأنعام / ۷۶-۸۱) در شرک‌زدایی از قوم سودی نبخشید. ابراهیم<sup>(ع)</sup> برای ادامه مبارزه، شیوه عملی شکستن بت‌ها را برگزید تا توهم تأثیر بت‌ها در خیر و شر، نفع و ضرر و ترس موهوم از نافرمانی آن‌ها را مخدوش نمود و زمینه احتجاجی دیگر را فراهم آورد و نیز با تنبّه آن‌ها به جهل خود، ضربه‌ای بر پیکره روح بت‌پرستی وارد آورد. بنابراین، تأثیر فراگیری و رسوخ شرک بر خشتی‌سازی

برهان‌های روشنگر ابراهیم<sup>(ع)</sup> و اثرناپذیری قوم، زمینه اجتماعی ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> تلقی می‌گردد و تأییدی بر نقش باورهای دینی یک جامعه در گونه ابتلای افراد آن است.

## ۲-۱-۲) ربوبیت خورشید؛ زمینه ابتلاء به آتش افتادن

سیطره بت پرستی سبب اعتراض شدید ابراهیم<sup>(ع)</sup> از طریق درهم شکستن اصنام شد که مجازات افتادن در آتش را در پی داشت. یادکرد قرآن از آتش افروخته برای کیفر ابراهیم<sup>(ع)</sup>، با لفظ «الجحیم» که بیانگر عظمت و شدت سوزاندگی است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۷) و ساخت بنایی آتشین (ر.ک؛ الصافات/۹۷)؛ چنان که برای انداختن ابراهیم<sup>(ع)</sup> در آن، ناگزیر به استفاده از منجنیق گشتند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۸۱۳)، در کنار مقدس‌نمایی انتقام از ابراهیم<sup>(ع)</sup> و تحریک عواطف مذهبی مردم (ر.ک؛ الأنبياء/۶۸)، مشارکت گسترده آن‌ها (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷: ۳۲) و تهدید و تطمیع آزر پیش از انداختن ابراهیم<sup>(ع)</sup> (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۲)، همگی نشانه تلاش حکومت برای ارباب او و ایجاد دو راه انتخاب هلاکت در آتش یا اظهار ندامت است و خبر از پیدایش ابتلایی برای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به منظور سنجش شکیبایی و استقامت او در راه هدایت‌گری می‌دهد. به نظر می‌رسد که بتوان با واکاوی علل مجازات با آتش، به زمینه اجتماعی ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> پی برد. از نظرگاه مفسران فریقین، علت‌گزینش آتش برای مجازات ابراهیم<sup>(ع)</sup>، اموری چون اعاده حیثیت و تأمین ابهت از دست رفته بت‌ها در مقابل شیوه ذلیلانه ابراهیم<sup>(ع)</sup> در نمایاندن عجز آن‌ها (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۴۳ و تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۷۵)، فرونشاندن کینه و آتش درونی مشرکان (ر.ک؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۹: ۳۲۷)، پیشگیری از اعلام مخالفت سایر موحدان با ایجاد فضای رعب‌آلود در جامعه (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۱۰۲ و تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۲۵۳)، فراهم آوردن زمینه مشارکت عمومی به منظور تهیه آتشی عظیم با هدف ربایش مجال اندیشه و سدّ راه اعتراضات احتمالی آینده نسبت به قتل ابراهیم<sup>(ع)</sup> است (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۰۶). به نظر می‌رسد که در کنار علل یادشده، سبب محکومیت ابراهیم<sup>(ع)</sup> به افکنده شدن در آتش، باور به ربوبیت خورشید (ر.ک؛ حقی بروسوی،

بی‌تا، ج ۵: ۵۰۰) به عنوان اله اعظم، ربّ النوع آتش، ارباب بت‌های شکسته و حافظ ملوک و حاکمیت آن‌ها بوده که پیامد آن، انتقام‌جویی از ابراهیم<sup>(ع)</sup> با آتش به منزله تجلی دهنده قدرت و ربوبیت خورشید است. توضیح آنکه آزمون حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> به افتادن در آتش، همان معجزه اوست (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۲۵۸ و شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۵: ۲۷۳۲) که بر اساس قاعده تناسب معجزه با زمانه پیامبران (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ق.، ج ۱: ۵۴-۵۶)، علت (زمینه) انتخاب کیفر سوزاندن در آتش (ابتلاء)، اعتقاد قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> به ربوبیت خورشید بوده است (ر.ک؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۵: ۵۰۰). خداوند متعال با سلب تأثیر از آتش (معجزه) نداشتن تأثیر استقلالی آتش و رب النوع آن را نشان می‌دهد، ربوبیت مطلق خود را آشکار نموده، اثبات می‌کند که تمام هستی به اذن او عمل می‌نماید. از این رو، گونه ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> را می‌توان متأثر از آیین دینی ربوبیت خورشید دانست که مؤیدی بر نقش نهاد دینی در شکل‌گیری ابتلای افراد جامعه است.

## ۲-۱-۵) سنت قربانی فرزندان؛ زمینه ابتلاء به ذبح فرزندان

به تصریح آیه ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبُلَاءُ الْمُبِينُ﴾ (الصافات/ ۱۰۶)، یکی از ابتلاهای ابراهیم<sup>(ع)</sup>، اطاعت فرمان الهی در ذبح یگانه‌فرزند خود بوده است. گزینش شیوه ذبح به منظور سنجش ابراهیم<sup>(ع)</sup> برای از بین بردن فرزند به دست خویش، می‌تواند ناظر بر شرایط روزگار ابراهیم<sup>(ع)</sup> باشد؛ چه آنکه آیین قربانی کردن فرزندان برای خدایان از سنت‌های رایج در جوامع خاور نزدیک - مانند مصر و فلسطین - بوده است (ر.ک؛ عقاد، ۱۹۷۰م.، ج ۱: ۴۹۸-۴۹۹ و بیومی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۴۷-۱۴۸). نظر به شأن اجتماعی و مقتداگونه پیامبران در جوامع بشری، می‌توان یکی از زمینه‌های جانبی امر به ذبح فرزندان را رواج سنت مذهبی قربانی فرزندان برای خدایان دانست؛ خداوند فرمان ذبح فرزندان را به ابراهیم<sup>(ع)</sup> ابلاغ فرمود و آنگاه ذبحی بزرگ (= قوچ) را جایگزین او می‌کند تا بدین طریق، عادت جاهلانه و ددمنشانه قربانی کردن انسان را منسوخ نماید و سنت نیکوی قربانی حیوان را بنا نهاد (ر.ک؛ تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۲۶۰ و بیومی، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۴۹). از این رو، سنت قربانی فرزندان در میان معاصران ابراهیم<sup>(ع)</sup> - در بستر

تاریخی حیات وی - عامل قرار گرفتن او در شرایط امر به تغییر رفتار از مهرورزی پدرانه به قربانی فرزند می‌گردد تا همزمان با توفیق او، بستری برای دگرگون‌سازی قربانی انسانی به قربانی حیوانی فراهم شود. درخور تأمل است که سنت ابتلاء از طریق تحول‌آفرینی در زندگی فرد و با هدف تعالی وی تحقق می‌یابد. این تعالی می‌تواند در صورت کمالی و پیشرونده نمایان شود و یا در جامعه اصلاح و مقابله با انحراف ظاهر گردد. از طرفی، تأثیر و تأثرات ناگزیر فرد و جامعه بر یکدیگر به درهم تنیدگی سرنوشت فرد و جامعه انجامیده است و تعالی آن‌ها را در امتداد یکدیگر قرار داده است؛ همان‌گونه که زندگی اجتماعی نیز گستره وسیعی برای ایجاد تغییر در زندگی آحاد آن از طریق ارتباط بشری فراهم می‌آورد. بنابراین، جهت‌گیری الهی در ابتلای افراد منحصر در آن‌ها و بریده از اجتماع نیست؛ گویی که در چگونگی ابتلای فرد، شرایط فردی و اجتماعی توأمان مدنظر قرار می‌گیرد تا افزون بر تکامل فرد، به تعالی جامعه نیز منجر گردد. در این آزمون نیز هرچند سنت دینی قربانی فرزند، در اصل پیدایی ابتلاء مؤثر نیست، لیکن در شیوه و گونه آن نقش‌آفرین است. زمینه‌سازی سنت رایج زمانه در ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup>، تأثیر نهاد دینی در ابتلای افراد را یادآور می‌شود.

## ۲-۶) نهاد تربیت

نهاد تربیتی عهده‌دار آموزش و پرورش افراد جامعه است و با ایجاد فرایند یادگیری واقعیت‌های اجتماعی و عمل به آن از طریق درونی‌سازی ارزش‌ها، هنجارها، عقاید، رفتارهای جامعه و انتظارات اجتماعی، تداوم زندگی اجتماعی را میسر می‌سازد (ر.ک؛ گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۹۰ و سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۳۱-۱۵۴). در واقع، نهاد تربیت، عقاید هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی را به مردم تعلیم می‌دهد (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۳۱۶)، نسبت به احکام و قوانین اجتماعی آگاهی می‌بخشد و مردم را بر پیروی از آن‌ها ترغیب می‌کند (ر.ک؛ همان: ۳۱۷). از این رو، اخلاق نهادینه در قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> که نمودی از نقش‌آفرینی نهاد تربیتی در جامعه است (ر.ک؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۳۱)، بررسی می‌شود و زمینه‌سازی آن در ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup>، تأثیر این نهاد در ابتلای آحاد یک جامعه را آشکار می‌سازد.

## ۲-۱-۶-۱) عصیّت و عصیان: زمینه ابتلای به آتش

قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> به رگم درک عجز و زبونی بت‌ها در واقعه بت‌شکنی (الانبیاء/۶۴)، با تجاهل نسبت به آن، در مجازات ابراهیم<sup>(ع)</sup> با حکومت همراه شدند و او را بر سر دوراهی انتخاب مرگ و زندگی قرار دادند. تأمل بر واکنش مردم نسبت به برهان قاطع ابراهیم<sup>(ع)</sup>، نشانی بر علت پدیداری این ابتلاء به دست می‌دهد؛ چراکه بنا بر یادکرد قرآن از قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup>، اخلاق اجتماعی قوم وی بر پایه علاقه قومیت و تقلید از آبا و نیاکان استوار بود و لجاجت، عصیّت و حق‌گریزی را در پی داشت. کاربرد تعبیر «ظل» و «عکوف» در آیه ﴿قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَاقِبِينَ﴾ (الشعراء/۷۱)، بر پرستش مداوم و افتخار آمیز بتان (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۲۸۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۲: ۵۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۳۱۷ و فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴: ۵۱۰) دلالت دارد و کریمه ﴿قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾ (الشعراء/۷۴) بر انتخاب آیین بت‌پرستی، صرف پای‌بندی به سنت نیاکان و دین اجدادی اشاره می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۲۸۲). ذکر استبعاد و شوخی‌انگاری دعوت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در آیه ﴿قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ﴾ (الانبیاء/۵۵) نیز حاکی از تبعیت کورکورانه و چنبره روح بت‌پرستی بر قوم اوست تا جایی که نه تنها ابراهیم<sup>(ع)</sup> را از عقوبت مخالفت با بت‌ها زنهار داده (الأنعام/۸۰)، بلکه به رگم انتباه بر جهالت و گمراهی خویش، با بت‌شکنی ابراهیم<sup>(ع)</sup> به تفکر جاهلی خود بازگشتند و او را محکوم کردند (الانبیاء/۶۵). بنابراین، ثبوت خوی لجاجت و عناد در کنار استضعاف قوم و غوغا فکنی حاکمیت (ر.ک؛ تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۲۵۲) سبب شد تا قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup>، علی‌رغم عجز از برهان‌آوری در مقابل منطق روشنگر او، سستی باور خود را با شدت عمل پنهان کنند و با محکومیت وی به آتشی سوزان، زمینه‌ساز آزمونی برای او گردند؛ گویی که عصیّت و عصیان قوم، عامل تغییر زندگی ابراهیم<sup>(ع)</sup> به سلب حق حیات از او قرار گرفته‌است. چنان‌چه اخلاق اجتماعی قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر مدار حق‌پذیری نهادینه گشته بود، با آگاهی از خطا و انحراف خویش، در مجازات ابراهیم<sup>(ع)</sup> همکاری نمی‌کردند و به شکوه آتش‌افکنی وی نمی‌افزودند. زمینه اجتماعی حاکی از علت پدیداری ابتلاء در اصل پیدایی یا گونه آن است. از این رو، هرچند این عامل

در تعیین نوع ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> نقش نداشت، لیکن با توجه به فضاسازی روانی علیه ابراهیم<sup>(ع)</sup>، در اصل شکل‌گیری ابتلاء مؤثر بود و می‌تواند یکی از علل جامعه‌شناختی ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به آتش تلقی شود که کارکرد نهاد تربیتی در تهییج به پاسداشت سنن قومی و سازگاری با قوم (جامعه‌پذیری) را نشان می‌دهد. اثر نهاد تربیت در سنت قربانی فرزندان برای کسب رضای خدایان نیز قابل پی‌جویی است، اما به دلیل اصالت نهاد دینی نسبت به تربیتی در این مقوله و آشکاری رنگ دینی این شیوه تربیت (= تربیت دینی) به صورت مستقل در نهاد تربیت بدان نپرداختیم.

## ۲-۲) نهاد اقتصاد

نهاد اقتصادی بر روابط و مناسبات اقتصادی جامعه ناظر است و نیازهای اقتصادی را برآورده می‌سازد (ر.ک؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). با توجه به گفتگوهای حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در دعوت قوم خویش، روابط اقتصادی در قوم وی، مبتنی بر ارتباطات و مصالح قومی بوده که بر راهبردهای رسولانه وی تأثیر گذاشته‌است.

### ۲-۲-۱) منفعت‌طلبی؛ زمینه ابتلاء به اعلان برائت

ابراهیم<sup>(ع)</sup> با انتخاب شیوه برائت‌جویی و اعلام دشمنی با پیروان باطل، مخالفت خود با گفتمان رایج را ابراز، و شالوده اعتقادی - اجتماعی و حاکمیت روابط عاطفی و قومی را نفی می‌کند، پیوندهای عاطفی و اجتماعی خود را می‌گسلد، توطئه‌ها، خطرها، طرد و محرومیت‌های اجتماعی را به جان می‌خورد و مرحله به مرحله به نقد تمام مظاهر شرک می‌پردازد. تن‌سپاری ابراهیم<sup>(ع)</sup> به تغییر زندگی محترمانه و توأم با محبویت، به جلب دشمنی‌ها و محرومیت، حاکی از ابتلایی برای اوست؛ چنانکه فهم عامل انتخاب اعلان برائت از تمام خدایان برای نقد بت‌پرستی، رهنمونی بر زمینه اجتماعی پدیداری آن است. حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> یکی از دلایل گرایش قوم خود به بت‌پرستی و سرسختی در مقابل حق را جلب رزق (العنکبوت/۱۷)، مودت بت‌ها به سبب حفظ مصالح و منافع اجتماعی و حاکمیت روابط بر



عقاید (العنکبوت/۲۵) بیان می‌کند؛ چراکه در نظام قبیله‌ای - طبقاتی جامعه حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>، پاسداری از سنت بت پرستی و اجتماع در اطراف بت‌ها به هنگام نیایش، نشانه احترام و مودت به نیاکان (پیوند عاطفی میان فرزند و پدر)، سران جامعه (پیوند عاطفی میان پیرو و پیشرو) و هم‌کیشان (پیوند عاطفی میان همفکران) به شمار می‌رود و جلب دوستی‌ها و حمایت‌های قومی، اعم از حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... را به دنبال دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۲۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۴۵؛ تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۹: ۴۱۷). از این رو، لازمه ارائه توحید در بافت قومی ابراهیم<sup>(ع)</sup>، رازدایی از ریشه گرایش قوم به بت پرستی و نقد آن است. بر این اساس، علت ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به خطرپذیری برای هدایت‌گری از طریق اعلام برائت در هم تنیدگی عقیده و مصلحت و منفعت‌طلبی برخاسته از مناسبات اقتصادی - قومی جامعه زیستی ابراهیم<sup>(ع)</sup> است که با توجه به تصریح ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر جلب رزق و تجلی حمایت اقتصادی در سایه پاسداشت سنن قومی، افزون بر نمایانی تأثیر مناسبات قومی، نقش نهاد اقتصادی در تعیین نوع ابتلای وی را نیز بیانگر است. شایان ذکر است که تأثیر نهاد اقتصادی در ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به بت‌شکنی را نیز می‌توان شناسایی کرد؛ چراکه یکی از راه‌های معیشتی قوم وی، بت‌فروشی بود، لیکن نظر به ارتباط وثیق میان نهاد دینی و بت پرستی و نیز سودجویی بزرگان قوم در استخدام عقیده برای جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی از بیان آن در نهاد اقتصادی چشم می‌پوشیم.

## ۲-۳) نهاد سیاست - حکومت

نهاد حکومت ناظر بر نحوه اعمال قدرت در جامعه و حراست از آن است که در شکل نظام سیاسی تبلور می‌یابد و از طریق رهبری، تصمیم‌گیری و اجرا، کنترل روابط اجتماعی افراد و تنفیذ مهارهای اجتماعی، جامعه را مدیریت می‌کند و نظم عمومی را سامان می‌بخشد (ر.ک؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۵۰-۱۵۱ و مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۳۱۳). در این بخش، با بررسی ساختار حکومتی قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> و تأثیر آن بر ابتلای‌های ابراهیم<sup>(ع)</sup>، نقش نهاد سیاسی - حکومتی در پدیداری و گونه‌ابتلای افراد جامعه نشان داده می‌شود.

## ۲-۳-۱) اقتدار حکومت؛ زمینه ابتلاء به طاغوت

شیوه بازخوانی قرآن از احتجاج نمرود و ابراهیم<sup>(ع)</sup> با بیان ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (البقره/۲۵۸)، حاکی از ابتدای نظام سیاسی قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر حاکمیت طاغوتی نمرود است. هرچند قرآن در معرفی نمرود، تعبیر طاغوت را به کار نبرده، اما ارتباط آیه با آیات قبل که بیانگر ولایت خدا بر مؤمنان و ولایت طاغوت بر کافران است، نشان از مثال زنی قرآن از مصادیق مؤمن (ابراهیم<sup>(ع)</sup>) و کافر طاغوت نما (نمرود) دارد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۳۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۳۴۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق.، ج ۱: ۳۱۸ و ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ۵۰۴). بیان برخورداری احتجاج گر از ملک به مثابه یکی از زمینه‌های بنیادی در طغیان گری (العلق/۶-۷) و ادعای الوهیت وی به تصریح عبارت ﴿أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ﴾ (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۳۵۰) نیز نشان دهنده منش طاغوتی نمرود است. نظر به اینکه طاغوت از جمله عوامل ظلم و انحراف در جامعه است که با استفاده از بیم، نادانی، پراکندگی و ستم اجتماعی، حاکمیت خویش بر مردم را بنا نهاده است و با ژرف‌نمایی اسباب گمراهی به استحکام پایه‌های آن می‌پردازد (ر.ک؛ تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۲۰۹). یکی از موانع جدی فراروی انبیاء در هدایت بخشی، طاغوت زمانه ایشان بوده که مبارزه پیوسته با آنها و آزادسازی مردم از یوغ رهبری شان از اهداف مهم بعثت پیامبران (النحل/۳۶) به شمار می‌رود و بستری برای ظهور آزمون ایشان در عرصه تبلیغ فراهم می‌آورد و گاه زمینه‌ساز زنجیره‌ای از ابتلاء برای ایشان می‌گردد. نمرود، طاغوت عصر ابراهیم<sup>(ع)</sup>، فرمانروایی مقتدر، جبار (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۲: ۲۴)، با حکومتی گسترده (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۶۲ق.، ج ۱: ۲۵۵) و مدعی مقهور نمودن همه اهل زمین بوده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۵: ۳۷۳). تقدس ناشی از ربوبیت نمرود و سیطره سیاسی - فرهنگی - اقتصادی او نشان از فراخوانی ابراهیم<sup>(ع)</sup> به چالشی جدی (جدال مظهر باطل) دارد و نمرود را در جلوه ابتلایی برای وی می‌نمایاند. بازشناسی علت احتجاج نمرود با ابراهیم<sup>(ع)</sup> و تغییر حوزه تبلیغی وی از ابلاغ عمومی به رویارویی با نیرومندترین و جدی‌ترین مانع هدایت، زمینه ابتلای وی به نمرود را نشان می‌دهد.

چنانکه از تأکید آیه شریفه بر برخورداری نمرود از «مُلک» برداشت می‌شود، نمرود با اتکا به گستردگی و اقتدار حکومتش اظهار ربوبیت نموده، بر شئون مختلف زندگی مردم سلطه یافته‌است؛ چراکه پادشاهی با سلطنت محدود و حکومتی ناتوان که از سوی سایر حکومت‌ها در معرض خطر باشد، مجالی برای ادعای خدایی نخواهد یافت (ر.ک؛ صالحی منش، ۱۳۸۶: ۱۰۳). چنانچه نمرود از حکومتی گسترده و مقتدر برخوردار نبود، پرستش نمی‌شد، استکبار نمی‌ورزید و مبارزه با او و حامیانش چنان دشوار نمی‌گشت. از این رو، اقتدار حکومت نمرود در پدیداری ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> مؤثر بود و رابطهٔ نهاد سیاسی-حکومتی در ابتلای افراد آن جامعه را گشزد می‌کند.

## ۲-۳-۲) هراس از فراگیری دعوت؛ زمینهٔ ابتلاء به تبعید

بنا بر روایت امام صادق<sup>(ع)</sup> که بر تبعید ابراهیم<sup>(ع)</sup> از جانب نمرود اشاره دارد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۸۱۵)، پس از نجات ابراهیم<sup>(ع)</sup> از آتش، حکومت تنها راه حفظ موجودیت خویش را ممانعت از حضور او در میان قوم می‌یابد و شرایطی را طراحی می‌کند که ابراهیم<sup>(ع)</sup> وادار به مهاجرت گردد. به کارگیری راه‌های مختلف، از جمله تهدید یا تطمیع (از سوی آزر) (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۲)، تهدید به مرگ و محکومیت به حبس (پس از شکستن بت‌ها تا زمان فرآوری آتش) (ر.ک؛ همان)، به انزوا کشاندن او و خنثی‌سازی تأثیرات تبلیغی وی با استهزاء و بطلان دواعی (از سوی نمرود: البقره/۲۵۸) و اعدام (و در آتش افکندن)، در تقابل با ابراهیم<sup>(ع)</sup> سودی نبخشید. نجات ابراهیم<sup>(ع)</sup> از آتش و رسوایی خدایان (خورشید) در هم‌آوردی با وی، سبب تردید مردم گشت و گروهی اندک به حقانیت رسالت ابراهیم<sup>(ع)</sup> پی بردند و به او ایمان آوردند (العنکبوت/۲۶ و الممتحنه/۴). این امر، ترس حاکمیت از فراگیری توحید را برانگیخت. نمرود که تاکنون به راه‌گریزی می‌اندیشید که منجر به تردید در اقتدار و مشروعیت حکومت نگردد، برای مقابله با ابراهیم<sup>(ع)</sup> و دور نگه داشتن مردم از جذبۀ حقانیت کلام وی، به حذف ابراهیم<sup>(ع)</sup> از راه تبعید تن سپرد. الزام ابراهیم<sup>(ع)</sup> به تغییر جغرافیای زندگی با توجه به موقعیت ممتاز زادگاه وی و تحمیل دشواری‌ها، ترس‌ها و محرومیت‌های ناشی از آن،

بیانگر ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به تبعید است که علت رخداد آن، ترس حاکمیت از فراگیری دعوت اوست. از این رو، نقش حکومت در مهار دعوت توحیدی ابراهیم<sup>(ع)</sup> در جلوه تبعید رخ نموده، بیانگر تأثیر نهاد سیاسی- حکومتی در گونه ابتلای اوست.

### نتیجه گیری

این پژوهش درصدد کشف امکان وجود رابطه متقابل و دیالکتیکی میان جامعه و ابتلاءهای رهبران الهی جوامع و تحلیل فرایند اثرگذاری- در صورت وجود- در اصل پیدایش و گونه آن بوده است. نگره قرآنی به ابتلاء به عنوان رخدادی ساختارشکن و غایت گرا که سبب سنجش فرد می گردد و به تعالی یا تسافل وی می انجامد، رهنمونی بر استلزام کشف رابطه ابتلاء با اجتماع از طریق درک نقش جامعه در ایجاد وقایع و تحول آفرینی در زندگی فرد است. بر این اساس، واکاوی خصایص اجتماعی قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup> نشان داد که زمینه های اجتماعی ابتلای ابراهیم<sup>(ع)</sup> به آزر، اعلام براءت، بت شکنی، طاغوت، به آتش افتادن، تبعید و ذبح فرزند می تواند منزلت پدری آزر، منفعت طلبی قوم، فراگیری و رسوخ شرک در میان آنان، اقتدار حکومت نمرود، نهادینگی خوی عصبیت و عصیان قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup>، اعتقاد به ربوبیت خورشید، هراس حاکمیت از فراگیری دعوت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و رواج سنت قربانی فرزند در دوران حیات ایشان باشد. بازشناسی این زمینه ها حاکی از نقش آفرینی نهادهای اجتماعی خانواده، دینی، تربیتی، اقتصادی و سیاسی- حکومتی در بروز ابتلای آحاد جامعه می باشد و گواهی بر لزوم توجه به عناصر اجتماعی در فهم عمیق تر سنن الهی و اتخاذ راهبردهای اصلاحی و پیشروانه در جامعه است.

### منابع و مآخذ

آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطیة. ج ۱. بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة.

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. تصحيح محمود محمد طناحی. چ ۴. قم: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرايع*. چ ۱. قم: انتشارات کتابفروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۲). *الخصال*. تصحيح علی اکبر غفاری. چ ۱. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنبییر*. بی جا: بی نا.
- ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ ق.). *معجم مقاییس اللغة*. تصحيح عبدالسلام محمد هارون. چ ۱. قم: انتشارات مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق محمد حسین شمس الدین. چ ۱. بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیة؛ منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). *لسان العرب*. تصحيح جمال الدین میردامادی. چ ۳. بیروت: انتشارات دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.
- ابن واضح یعقوبی، أحمد. (۱۳۸۷). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. چ ۱۰. تهران: علمی و فرهنگی.
- امین، نصرت. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- بلاغی، صدرالدین. (۱۳۳۰). *قصص قرآن با فرهنگ قصص قرآن*. بی جا: بی نا.
- بیومی مهران، محمد. (۱۳۸۳). *بررسی تاریخ قصص قرآن*. چ ۱. ترجمه سید محمد راستگو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تفسیر هدایت*. (۱۳۷۷). ترجمه گروه مترجمان. چ ۱. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). *ادب فنای مقربان*. چ ۱. قم: انتشارات اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹). *تسنیم*. تحقیق عبدالکریم عابدینی. چ ۲. قم: انتشارات اسراء.
- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: انتشارات دار الفکر.

دانشگر، سعید. (۱۳۸۱). *بررسی زمینه‌های آموزشگاهی آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران دینی مقطع متوسطه شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

دغیم، سمیح. (۱۹۹۸م.). *موسوعة مصطلحات علم الکلم الإسلامی*. چ ۱. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). چ ۲. *لغت نامه دهخدا*. چ ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
راد، علی و پریسا عطایی. (۱۳۹۳). «مصادق‌شناسی کلمات در آیه ابتلاء». *قرآن‌شناخت*. ش ۱۴. صص ۴۷-۷۲.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات ألفاظ القرآن*. تصحیح صفوان عدنان داوودی. چ ۱. بیروت: انتشارات دار القلم - الدار الشامیه.  
رشیدرضا، محمد. (۱۳۶۶). *المنار*. چ ۲. قاهره: بی‌نا.

زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق.). *التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج*. چ ۲. بیروت: انتشارات دارالفکر المعاصر.

زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چ ۳. بیروت: انتشارات دارالکتاب العربی.

سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). *نظریه‌های شخصیت*. چ ۱۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۷۳). *مبانی جامعه‌شناسی*. چ ۱. گناباد: نشر مرندیز.  
شاذلی، سیدبن قطب. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. چ ۱۷. بیروت: انتشارات دارالشروق.  
شاملو، سعید. (۱۳۹۰). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*. چ ۱۰. تهران: انتشارات رشد.

شوکانی، محمدبن علی. (۱۴۱۴ق.). *فتح القدر*. چ ۱. دمشق - بیروت: انتشارات دارالکلم الطیب.

شولتز، دوان‌پی و الِن شولتز سیدنی. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چ ۲۷. تهران: نشر ویرایش.

- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. چ ۲. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صالحی منش، محمد. (۱۳۸۶). *طلوع جاودان پژوهشی درباره زندگی حضرت ابراهیم (ع)*. چ ۲. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ ۵. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. با مقدمه محمدجواد بلاغی. چ ۳. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۱. بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۲. تهران: انتشارات اسلام.
- عروسی حویزی، عبدعلی. (۱۴۱۵ق.). *نور الثقلین*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. چ ۴. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عقاد، عباس محمود. (۱۹۷۰م.). *موسوعة عباس محمود العقاد الإسلامية*. چ ۱. بیروت: دارالکتب العربی.
- فخر رازی، محمد. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. چ ۲. قم: نشر هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. چ ۴. قم: دارالکتب.
- کاشی، عبدالرزاق. (۱۳۷۷). *ترجمة اصطلاحات الصوفیة یا فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف*. ترجمه محمد خواجوی. چ ۲. تهران: انتشارات مولی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹ق.). *الکافی*. تصحیح دارالحدیث. چ ۱. قم: انتشارات دار الحدیث.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). *جاسه شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چ ۲۴. تهران: نشر نی.

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار؛ الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. تصحیح جمعی از محققان. چ ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). *دانشنامه قرآن و حدیث*. چ ۱. قم: انتشارات مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. چ ۴. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چ ۱. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق.). *الإختصاص*. تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. چ ۱. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چ ۱. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مهرداد، هرمز. (۱۳۷۶). *جامعه پذیری سیاسی*. چ ۱. تهران: انتشارات پاژنگ.
- وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق. (۱۳۸۸). *مبانی جامعه شناسی*. چ ۲۰. تهران: بهینه.
- یوسفی مقدم، محمدصادق. (۱۳۸۶). *دائرة المعارف قرآن کریم*. مدخل امتحان. چ ۲. قم: بوستان کتاب